

درس شانزدهم





واژگان درس

درمانگاه :	المستوصف	سمت چپ :	جهة اليسار
چشم پزشکی :	أخصائي العيون	زخم :	الجرح
داروها :	الأدوية		
صدا زد :	ناداه		
سمت راست :	جهة اليمين		
متخصص :	أخصائي		
ارتوپدی :	تجبير العظام		
سالن :	الصالة		

ساختارهای گفتاری درس

بیماری های خاص :	الامراض الخاصة	پایم زخم شده :	جُرحت رجلي
چرا اینجا آمدی؟ :	لماذا جئت إلى هنا؟	افتادم :	سقطتُ
کمر شما درد می کند :	تشعرون بألم في ظهرکم	دستهای کثیف :	الايدي الوسخة
شستن دستها :	غسل اليدين	مسموم شدن :	التسمم
غذای آلوده :	الطعام الملوّث	آب ریزش :	الرشح
عطسه :	العطاس	سرفه :	الكُحّ

درمانگاه

محسن: اول باید پذیرش شوی.

حسن: یعنی چه؟

محسن: یعنی «ملاً استمارة الاستعلامات».

خانم کارمند: بفرمائید.

حسن: ما باید نزد پزشک برویم.

خانم: چه پزشکی؟

حسن: دکتر ...

خانم: دکتر ارتوپدی، قلب - چشم پزشکی، پوست، داخلی، اعصاب و روان، روان پزشکی چه دکتري؟

حسن: دلم درد می کند.

خانم خب متخصص داخلی، شما باید پیش متخصص داخلی تشریف ببرید.



منتظر پزشک

خانم: بیماری خاصی ندارید؟

حسن: نه

خانم: داروی خاصی مصرف می کنید؟

حسن: نه

خانم: علائم بیماری؟ یعنی «أعراض المرض»

خانم: شماره تلفن شما چند است؟

حسن: ۰۹۱۲۰۰۰

خانم: تشریف ببرید انتهای سالن، سمت چپ.

خانم منشی: متخصص داخلی؟

حسن: بله

خانم منشی: لطفاً تشریف داشته باشید، شما را صدا خواهیم زد.

حسن: خیلی ممنون، چرا اینجا آمدی؟

پسرک: پایم زخم شده.

حسن: چرا شما زخمی شدی؟

پسرک: افتاده ام، سرم گیج رفت افتادم.

حسن: سر گیج رفت یعنی چه؟ فهمیدم.

پسرک: مادرم می گوید شاید به سرم ضربه وارد شده است. شما چرا اینجا آمدید؟ شما هم مریض هستید؟

حسن: من تب دارم حالت تهوع و اسهال دارم.

۱. حسن فرم پذیرش را نزد چه کسی پر کرد؟

۲. او چه پزشکی می خواهد؟

۳. حسن بیماری خاص دارد؟

۴. اتاق پزشک کجاست؟

۵. چه کسی حسن را صدا می زند؟

۶. پسرک چه بیماری دارد؟

۷. مادر پسرک بیماری او را چه می داند؟

۸. حسن چرا نزد پزشک آمده؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. دستم زخم شده است. (جُرحت يدي.)
۲. این داروی مؤثری است. (هذا الدواء ناجع.)
۳. دچار بی خوابی شدم. (أصبت بِسَهَر.)
۴. این دارو تلخ است. (هذا الدواء مُرّ.)
۵. من منتظر پزشک هستم. (أنا بانتظار الطبيب)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

قرص - کپسول - آمپول - باند - سرم - شربت



الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

- | | |
|-------------------------|------------------------|
| • ۱. شما مسموم شده اید. | • ۶. عندي بُحّة. |
| • ۲. آیا سرفه می کنید؟ | • ۷. هل عندك كُحّة؟ |
| • ۳. سردرد شدید دارم. | • ۸. هذا الطعام مُفيد. |
| • ۴. این غذا مضر است. | • ۹. عندي صُداع شدید. |
| • ۵. صدایم گرفته است. | • ۱۰. أُنتم تسمّمتم. |

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. آنها در صف انتظار هستید. _____
۲. شما داروهایشان را مصرف کردید. _____
۳. به خاطر سرگیجه به پزشک مراجعه کردم. _____
۴. پزشک برای من نسخه نوشتید. _____
۵. دیروز دستم زخمی شدی. _____
۶. حالم کم کم بهتر شد. _____
۷. در درمانگاه پسر مریضی را دیدم. _____
۸. نمی توانم این دارو را بخورید. _____

تمرین‌ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

استمارة	پزشک
وَسَخ / غَدر	آلوده
ردیء	بد
ظهر	فُرم
ملون	درمانگاه
طیب	کثیف
مستوصف	کمر
رِجل	پا

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

زیان بار	پاک
بدتر	مفید
برخاستن	افتادن
سالم	آلوده
ناپاک	بهتر

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. کثیف :

۲. زخمی شدن:

۳. بیماری خاص:

۴. درد:

۵. سمت چپ:

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. و - سمت - اتاق - داخلی - متخصص - است - چپ - پزشک. _____
۲. مصرف - داروها - به - این - کن - را - موقع. _____
۳. صدا - مادر - برای - شام - بچه‌ها - را - خوردن - زد. _____
۴. پانسمان - زخم - پرستار - دست - را - کرد - دخترک. _____
۵. حال - بهتر - او - شد - کم‌کم. _____

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

دکتر: بفرمائید، من _____ شما هستم.

حسن: آقای دکتر من _____ هستم.

دکتر: _____ چرا؟ چه _____ از بیماری دارید؟

حسن: تب، _____ حالت _____ و _____.

دکتر: از کی _____ شروع شد.

حسن: از امروز _____ شروع شد.

دکتر: _____ غذا چه _____؟

الافعال المركبة:

الافعال المركبة كما اشرنا إليها في الدرس السابق هي التي تتكون من جزئين و الجزء الثاني في الاغلب افعال مثل : «دادن» أو «کردن» (و هما هنا يعنيان الفعل أو القيام بعمل ما)
مثلاً الاستماع «گوش دادن» التنظيف «تمیز کردن»
أمثلة:

- ۱ - من به صدای رادیو گوش می دهم. (أنا استمع إلى المذياع)
- ۲ - جوان به مادرش کمک می کند. (الشاب يُساعد أمّه)
- ۳ - دخترک فیلم را تماشا کرد. (شاهدت الفتاة الفلم)
- ۴ - خدمتکار خانه را تمیز کرد. (نظف الخادم البيت)
- ۵ - چرا گریه می کنی؟ (لماذا تبكي؟ لماذا تبكين؟)
- ۶ - آنها به دوستانشان سلام می کنند. (هم یسلمون على أصدقائهم)

